

ماهیت حقوقی جنین آزمایشگاهی

سید مرتضی قاسم‌زاده* - فاطمه صنعتگر**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۳

چکیده

یکی از موضوعات مهمی که در دهه‌های اخیر در پزشکی ظهور یافته و مباحث متعدد حقوقی و اخلاقی زیادی را به دنبال داشته، تولید جنین‌های آزمایشگاهی است. از جنین‌های آزمایشگاهی برای باروری زوجین نابارور استفاده می‌شود اما در هر دوره‌ی باروری جنین‌های مازاد نیاز زوجین به وجود می‌آید که علاوه بر امکان نگهداری آن‌ها به صورت منجمد، می‌توان از آن‌ها در امور تحقیقاتی، درمانی، باروری زوجین نابارور دیگر و خرید و فروش استفاده کرد. این درحالی‌که است که مشخص نبودن وضع حقوقی جنین آزمایشگاهی و عدم وجود قانون مدون در مورد تولید، نگهداری و استفاده از آن‌ها، چالش‌ها و ابهاماتی را در این زمینه به دنبال داشته است و بیم آن می‌رود از این جنین‌ها برای تجارت و سودجویی‌های مالی استفاده شود و تا هنگامی که وضع حقوقی جنین آزمایشگاهی توسط قانون‌گذار به طور دقیق تعیین نشود نمی‌توان در مورد آن تصمیم گرفت. به همین علت در این مقاله این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و براساس آیات و روایات نظریه‌ی جدید شخصیت بالقوه یا شخصیت تبعی جنین از زمان انعقاد نطفه حتی در محیط آزمایشگاه ثابت شده است.

کلید واژگان: جنین، جنین آزمایشگاهی، شخصیت جنین، ولوج روح

Dr.qasemzadeh@yahoo.com

* استاد دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (نویسنده مسئول)

Fa_sanat@yahoo.com

** کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

مقدمه

استفاده از تکنیک‌های باروری خارج رحمی سبب باروری تخمک و تشکیل رویان در محیط آزمایشگاه می‌گردد. در این روش‌ها پس از برداشت و جمع‌آوری اسپرم و تخمک و آماده‌سازی آن‌ها در محیط آزمایشگاه، لقاح انجام شده و سپس رشد و تکامل برای مدت کوتاهی در محیط کشت ادامه پیدا می‌کند. در نهایت جنین به بدن زن منتقل می‌شود تا بقیه‌ی مراحل تکامل در داخل رحم صورت گیرد. طی کردن این مراحل در محیط آزمایشگاه به جای داخل بدن زن سبب گردیده که به جنین مذکور مادامی که در محیط آزمایشگاه است جنین آزمایشگاهی گفته شود. ویژگی خاص جنین آزمایشگاهی یعنی تشکیل در محیط آزمایشگاه ابهاماتی در مورد ماهیت این جنین‌ها به دنبال داشته و این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که جنین آزمایشگاهی با جنین موجود در رحم از لحاظ ماهیت و حقوق شباهتی ندارد. در مورد ماهیت جنین آزمایشگاهی دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. در حالی که در یک نظر جنین آزمایشگاهی مال است، در دیدگاه دیگر جنین از زمان انعقاد نطفه تا ولوج روح یک شخص یا انسان بالقوه محسوب می‌شود که البته هر یک این نظرات می‌تواند موافق و مخالفانی داشته باشد. با توجه به این که قائل شدن به هر یک از این دیدگاه‌ها آثار و حقوق متفاوتی را برای جنین آزمایشگاهی به دنبال دارد باید ماهیت جنین از زمان انعقاد نطفه مشخص شده و بررسی شود آیا ماهیت جنین داخل رحم در مورد جنین آزمایشگاهی نیز تسری پیدا می‌کند یا جنین آزمایشگاهی به علت به وجود آمدن در محیط خارج رحم با جنین داخل رحمی تفاوت ماهوی دارد. در این راستا دیدگاه برخورداران جنین آزمایشگاهی از شخصیت حقوقی را از منظر آیات و روایات ثابت کرده و سپس مال بودن جنین‌های آزمایشگاهی را نقد می‌کنیم.

۱. برخورداری جنین آزمایشگاهی از شخصیت حقوقی

۱-۱. تعریف شخصیت

در اصطلاح حقوقی، شخص موجودی است که دارای حق و تکلیف است. هر شخصی دارای زندگی حقوقی است و می‌تواند در این زمینه با اعمال حقوقی و انجام دادن تکالیف خود نقش ایفا کند؛ بنابراین شخصیت از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی شخص برای این که طرف و صاحب حق و تکلیف باشد.

قانون‌گذار تعیین می‌کند که چه موجوداتی صاحب حق و تکلیف و دارای شخصیت هستند.^۱ در همین راستا، به موجب قانون^۲ هر یک از افراد انسان در جامعه دارای شخصیت حقوقی هست و می‌تواند به وسیله‌ی آن دارای حق و تکلیف گردد و آن را اجرا نماید. این قابلیت در اصل از طرف خداوند به اعتبار طبیعت انسانی در او به ودیعه گذاشته شده است و بدین جهت انسان را شخص طبیعی می‌نامند.^۳

۲-۱. زمان آغاز شخصیت در آیات و روایات

تشخیص زمان آغاز حیات و تکوین شخصیت حقوقی انسان، دارای اهمیت ویژه‌ای در روابط حقوقی است، چراکه از این تاریخ است که حیات انسانی شروع شده و شخص مورد حمایت کامل قانون‌گذار قرار می‌گیرد. در بین فقها و حقوق‌دانان در این که جنین در کدام یک از مراحل تکاملی خود از حقوق برابر با سایر افراد برخوردار است، اختلاف نظر وجود دارد و در پاسخ به این سؤال که حیات انسانی از چه زمانی آغاز شده و منشأ آثار حقوقی می‌گردد، دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند.

۱. صفایی، سیدحسین و قاسم زاده، سیدمرتضی، (۱۳۹۵)، اشخاص و محجورین، تهران: سمت، صص ۶-۷

۲. ماده‌ی ۹۵۸ ق.م. «هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند، مگر این که برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد».

۳. امامی، سید حسن، (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، ج ۴، تهران: انتشارات اسلامی. ص ۱۶۶

مانند تشکیل نطفه (به طور قانونی یا غیرقانونی، اعم از این که در رحم استقرار یافته یا نیافته باشد)، استقرار در رحم، ولوج روح در جنین، زنده متولد شدن و قابلیت زنده ماندن بعد از ولادت، همه از نظریه‌های قابل طرح در این باره است. تشخیص این که کدام یک از این نظریه‌ها صحیح است و جنین در چه مرحله‌ای دارای شخصیت حقوقی است، در مورد ماهیت جنین آزمایشگاهی نیز اثر دارد. به عنوان مثال در بین نظریات چنانچه به این نتیجه برسیم که از زمان انعقاد نطفه، شخصیت حقوقی جنین نیز شروع می‌شود، باید با جنین در آزمایشگاه نیز مانند یک انسان کامل رفتار شود و هرگونه تصمیم‌گیری در مورد آن باید با در نظر گرفتن کرامت انسانی و حقوق مربوطه باشد؛ اما در مقابل قائل شدن به هر یک از نظریات دیگر، فاصله‌ی بین انعقاد نطفه تا برخورداری از شخصیت را با ابهام خاصی روبه‌رو می‌کند که جنین در این مدت چه ماهیتی دارد و بدیهی است که این ابهام به وضعیت تخمک بارور شده در محیط آزمایشگاه نیز تسری پیدا می‌کند بنابراین در ادامه به بررسی ماهیت جنین و زمان آغاز شخصیت آن از نظر آیات و روایات می‌پردازیم.

البته علی‌رغم این که آیات متعدد و روایات فراوانی به مسئله‌ی خلقت انسان و مراحل شکل‌گیری جنین پرداخته‌اند، اما در مورد ماهیت جنین تصریحی وجود ندارد. فقها نیز تنها به نقل روایات پیرامون دیه‌ی جنین در مراحل تکوین، از بین بردن نطفه و برخورداری جنین از حقوقی خاص بسنده کرده‌اند. در نتیجه ما نیز در اینجا برای رسیدن به نتیجه‌ی جامع و کامل در مورد شخصیت جنین به بررسی همین آیات و روایات می‌پردازیم.

در خلال آیات متعددی که درباره‌ی مراحل تکامل جنین انسان وجود دارد، می‌توان دودسته‌بندی از مراحل رشد جنین را مشاهده کرد؛ در یک دسته مراحل تکامل جنین به قبل و بعد از دمیده شدن روح تقسیم شده و در دسته‌بندی دیگر مراحل پیش از دمیده شدن روح در جنین ذکر شده است. این مراحل به صورت کامل در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره‌ی مؤمنون آمده است:

۱. سوره‌ی حج آیه‌ی ۵ - سوره‌ی مؤمنون آیه‌ی ۱۴ - سوره‌ی حجر آیه‌ی ۲۹، سوره‌ی ص آیه‌ی ۷۲ و ...

«و همانا ما آدمی را از گل خالص آفریدیم (۱۲) آنگاه او را نطفه‌ای در جای استوار قراردادیم (۱۳) آنگاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم (و پیکری کامل کردیم) پس از آن خلقتی دیگرش انشا نمودیم. آفرین بر (قدرت کامل) خدا که بهترین آفرینندگان است (۱۴)» همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این آیات مراحل آفرینش انسان قبل از دمیده شدن روح به پنج مرحله تقسیم شده است: آفرینش از خاک، نطفه، علقه، مضغه و عظام؛ اما در این آیات و تفاسیر تنها مراحل مختلف رشد جنین ذکر شده و در مورد ماهیت جنین پیش از ولوج روح مطلبی وجود ندارد. در نتیجه طبیعی است که مباحث مرتبط با آن باید از فحوای روایات صادره استخراج شود. در روایات نیز واژه‌ی شخصیت حقوقی به کار نرفته است اما شاید بررسی روایات مربوط به سقط جنین و دیه‌ی آن بهترین ملاک را در این زمینه به ما بدهد؛ چرا که با توجه به باب دیات در فقه، تعلق دیه به یک شیء نشان می‌دهد که آن شیء لا اقل بخشی از وجود انسان را تشکیل داده و یا مستقلاً نفس مورد احترامی است؛ و مسلماً زمانی که سقط جنین و یا نطفه قبل و بعد از ولوج روح به طور مطلق ممنوع گردد و برای از بین بردن آن دیه تعیین شود نشان‌دهنده‌ی حمایت شارع به این دلیل است که آن را انسان یا بخشی از وجود انسان می‌داند که با تعیین ملاک، ماهیت جنین آزمایشگاهی نیز مشخص می‌شود، به همین جهت در ادامه در دو سرفصل جداگانه با بررسی از بین بردن جنین قبل و بعد از ولوج روح، سعی می‌کنیم شخصیت جنین را مشخص کنیم.

۱-۲-۱. شخصیت بالقوه‌ی جنین قبل از ولوج روح

در این قسمت سعی می‌کنیم با بررسی تعدادی از روایات مربوط به از بین بردن جنین، ماهیت آن پیش از ولوج روح مشخص گردد. در این راستا، ابتدا حرمت از بین بردن جنین در هر مرحله را اثبات کرده و سپس علت دیه‌ی از بین بردن نطفه، مشخص می‌گردد و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا دیه‌ی سقط جنین قبل از ولوج روح به علت انسان بودن

آن است یا فلسفه‌ی دیگری دارد و در نهایت بیان می‌کنیم، منظور از نطفه‌ای که از بین بردن آن حرام است چیست و آیا این حرمت شامل جنین آزمایشگاهی نیز می‌شود.

۱-۲-۱. حرمت از بین بردن نطفه

در بین فقها در مورد حرمت سقط جنین حتی قبل ولوج روح اختلاف نظری وجود ندارد.^۱ دلیل عمده‌ی چنین حرمتی روایاتی است که به حد استفاضه و حتی تواتر معنوی رسیده‌اند^۲ که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- صحیح‌هی رفاعه: «به امام صادق (ع) عرض کردم: کنیزی خریدم که عادت او، به دلیل فساد خون، یا وجود باد در رحم، قطع شده است. از این رو دارویی به وی خوراندند می‌شود که همان روز، خون می‌بیند. آیا این کار برای من جایز است، درحالی که نمی‌دانم قطع خون از بارداری است و یا علت دیگری دارد؟ امام فرمود: این کار را نکن. گفتم: عادت وی فقط یک ماه به تأخیر افتاده و بر فرض هم به خاطر حمل باشد، نطفه‌ای است و از بین بردن نطفه مانند کسی است که با عزل، نطفه را از بین می‌برد (چطور عزل را جایز می‌دانید ولی این مورد را جایز نمی‌شمارید) حضرت می‌فرمایند: (این مورد با عزل تفاوت دارد چراکه) نطفه هنگامی که در رحم واقع می‌شود امکان تبدیل به مضغه و سپس به علقه و سپس به آنچه خدا بخواهد، دارد؛ ولی نطفه‌ای که در غیر رحم واقع شود چیزی خلق نمی‌شود، پس به آن زن اگر یک ماه حیض او بند آمده و از وقت حیض او گذشته، دارویی ندهید»^۳.

۱. جمعی از پژوهشگران، (۱۴۲۳ ه.ق)، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت علیهم السلام، ج ۵، قم:

مؤسسه‌ی دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۹۴

۲. انصاری شیرازی، قدرت الله و دیگران، (۱۴۲۹ ه.ق)، موسوعه احکام الأطفال و أدلتها، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار

علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۳۵

۳. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی، ج ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ص ۱۰۸

۲- موثقی اسحاق بن عمار: «به امام رضا (ع) گفتم: زنی از بارداری می‌ترسد آیا جایز است دارویی بخورد و در اثر آن، آنچه در شکم دارد سقط کند؟ فرمودند: نه گفتم: او نطفه‌ای بیش نیست! فرمودند: ابتدای خلقت و آفرینش انسان نطفه است»^۱.

روایت سوم روایتی است که دیه‌ی از بین بردن جنین را در مراحل مختلف بیان می‌کند. در این روایت آمده است:

۳- «از امام علی بن حسین (ع) درباره‌ی مردی پرسیدم که با پایش به زن حامله‌ای زده و جنین به صورت مرده سقط شده است. حضرت فرمود: اگر نطفه باشد، بر مرد بیست دینار است. پرسیدم: نطفه کدام است؟ حضرت فرمود: نطفه زمانی که در رحم واقع می‌شود پس چهل روز در آنجا می‌ماند. حضرت فرمود: اگر جنین در حالی که علقه است سقط شده، بر او چهل دینار است. پرسیدم: علقه چیست؟ حضرت فرمود: همان است که در رحم قرار می‌گیرد و هشتاد روز در آن مانده است. حضرت فرمود: و اگر جنین در حالی که مضغه است سقط شده، بر مرد شصت دینار است. گفتم: مضغه تعریفش چیست؟ حضرت فرمود: آن همان است که در رحم قرار می‌گیرد و صدویست روز در رحم مانده است. حضرت فرمود: و اگر جنین در حالی که انسانی است باجان و آفریده شده و استخوان و گوشت دارد و اعضا و جوارحش مشخص شده است و روح عقل در آن دمیده شده سقط شده، در این صورت بر مرد، دیه‌ی کامل است...»^۲.

قطعاً از مجموع این روایت حرمت نطفه و منع از بین بردن آن در هر مرحله‌ای که باشد فهمیده می‌شود؛ اما برای این که بفهمیم آیا این حرمت سقط نطفه در هر مرحله و تعلق دیه

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ه.ق)، وسائل الشیعه، ج ۲۹، قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم السلام، ص ۲۶؛ ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمی قم، ص ۱۷۱

۲. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۴۷؛ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ه.ق) تهذیب الأحکام، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ص ۲۸۲؛ عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۵، قم: مؤسسه‌ی المعارف الاسلامیه، ص ۴۷۸؛ نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ ه.ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ص ۳۷۰

به آن ما را به شخصیت جنین رهنمون می‌سازد یا نه در ادامه با توجه به این روایات دو سؤال مطرح کرده و تحت عنوان علت دیه‌ی از بین بردن جنین به هر یک جواب می‌دهیم.

۱- از طرفی بیان کردیم وجود دیه برای یک شیء لاقط نشان می‌دهد که آن شیء یا نفس مورداحترام و یا جزئی از وجود انسان است، سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا دیه برای سقط جنین به این دلیل است که جنین جزئی از بدن زن محسوب می‌شود و چون به بدن زن آسیبی وارد شده دیه واجب می‌گردد و یا جنین نفسی مورداحترام و وجودی مستقل و انسانی دارد و تعلق دیه به خاطر از بین بردن نفس مورداحترام است. مسلماً اگر به این نتیجه رسیدیم که جنین جزئی از بدن مادر است، حرمت سقط و تعلق دیه به آن نمی‌تواند ناشی از شخصیت جنین باشد.

۲- سؤال دوم این است که این چه حیاتی است (برفرض این که جنین را موجودی مستقل و نفسی مورداحترام بدانیم) که به آن دیه تعلق گرفته اما دیه‌ی ثابتی ندارد و با رشد جنین در هر مرحله دیه‌ی آن نیز زیاد می‌شود؟

۲-۱-۲. علت دیه‌ی از بین بردن جنین

از روایات مربوط به ارث دیه‌ی جنین برمی‌آید که دیه‌ی جنین به علت حیات خود جنین است و متعلق به وراثت جنین می‌باشد.

در روایتی امام صادق (ع)، در مورد مادری که جنین خود را ولو در مرحله‌ی علقه یا مضغه عمداً اسقاط نموده، فرمودند: «باید دیه‌ی جنین را به پدرش بدهد و از ارث، وی محروم است، زیرا مادر وی را کشته است و می‌دانیم که قاتل از مقتول ارث نمی‌برد»^۱.

مطابق روایت دیه‌ی از بین بردن جنین در هر مرحله‌ای که باشد به ورثه‌ی جنین می‌رسد و چون قتل مورث توسط وارث از موانع ارث است و در اینجا مادر وارثی است که مورث خود (جنین) را کشته و از ارث محروم است، درحالی که اگر جنین جزئی از بدن مادر بود، وی مجبور به پرداخت دیه نمی‌شد، چراکه در نتیجه‌ی سقط به بدن خودش آسیب وارد کرده بود؛ بنابراین این روایت نشان می‌دهد جنین حتی اگر به حدی نرسیده باشد که روح

۱. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۴۴؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۸۷.

در آن دمیده شده باشد، باز هویت و وجودی مستقل از بدن مادر دارد و چون برای از بین بردن و صدمه به آن دیه معین شده، دارای حیات است و لزوم دیه بر مراتب جنین از آغاز به جهت فوت شدن مال مادر نیست.

اما این چه حیاتی است که به آن دیه تعلق گرفته اما دیه‌ی ثابتی ندارد و با رشد جنین در هر مرحله دیه‌ی آن نیز زیاد می‌شود؟ یکی از مفسرین در کلام خود به این حیات اشاره کرده و آورده است: «در آغاز که نطفه منعقد می‌شود تنها دارای یک نوع «حیات نباتی»^۱ است، یعنی فقط تغذیه و رشد و نمو دارد، ولی از حس و حرکت که نشانه‌ی «حیات حیوانی» است و همچنین قوه‌ی ادراکات که نشانه‌ی «حیات انسانی» است در آن خبری نیست»^۲. از طرف دیگر، این قضیه را می‌توان به عنوان یک قانون مسلم علمی مطرح کرد که هر یک از موجودات در مسیر تحولاتی که برای رسیدن به یک هویت سپری می‌کنند، هر اندازه که حرکت بیشتری صورت بگیرد و موجود بتواند به نقطه‌ای که هویتش در آن بروز خواهد کرد نزدیک‌تر شود، تعیین و فعلیت او بیشتر و کامل‌تر می‌گردد و هر اندازه که فاصله‌ی میان نقطه‌ی حرکت و نقطه‌ی هویت بیشتر باشد، به جهت تعدد و تنوع مسیرهای ممکن که در سر راه موجود قرار گرفته تعیین و فعلیت آن ضعیف‌تر است. در مورد انسان هم مواد اولیه‌ی تشکیل نطفه تا نطفه و از نطفه به تکون انسانی در رحم زن رسیدن، مسیرهای فراوانی وجود دارد. هر اندازه که آن مواد به هویت نطفه نزدیک‌تر می‌شوند، انعطاف خود را در مسیرهای متعدد و متنوع دیگر از دست می‌دهند و در حال نطفه بودن دارای هویتی مشخص و معین می‌گردد که باید مسیر مخصوصی را سپری کند. در این مسیر نیز همواره در حرکت و تحول است و از هویت‌های مختلفی (علقه، مضغه،

۱. برخورداری جنین از حیات نباتی در ابتدای تشکیل به معنای نبات یا گیاه بودن جنین نیست، چراکه هیچ نباتی قابلیت انسان شدن را ندارد. در واقع اصطلاح حیات نباتی به زندگی اشاره دارد که در آن حرکت و حس و قوه‌ی ادراک وجود ندارد. این حیات می‌تواند در نبات یا انسان و یا جنین وجود داشته باشد. پس همان‌طوری که انسانی که به دلیل کمای عمیق دچار زندگی و حیات نباتی می‌شود، نبات نیست، جنین به استناد حیات نباتی که دارد، نبات تلقی نمی‌شود.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ص ۱۲۷

عظام و ...) می‌گذرد و در هر یک دارای موقعیت معینی از نظر طبیعی و انسانی است. این مسیر همان مسیری است که به‌طور کلی در قرآن مجید به ترتیب در آیات سوره‌ی مؤمنون آمده است^۱ و قبلاً به آن‌ها اشاره کردیم. پس نطفه از زمانی که حیات نباتی خود را آغاز می‌کند هر چه به هویت انسانی نزدیک‌تر می‌شود، یعنی بیشتر رشد می‌کند، بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرد و بالتبع از بین بردن آن دیه‌ی بیشتری دارد.

جمع بین تعلق دیه به از بین بردن جنین و برخورداری وی از حیات نباتی، ما را به این نتیجه رهنمون می‌رساند که همین حیات نباتی در جنین دارای حرمت و احترام بسیاری است، به‌طوری که شارع و بالتبع قانون‌گذار از زمانی که این حیات آغاز می‌شود، حقوقی را برای جنین فرض کرده و از بین بردنش را حرام می‌داند. چراکه در نظر شرع، انسان به حدی دارای احترام، شأن و کرامت است که موجودی که انسانیتش به فعلیت نرسیده، از این احترام برخوردار است. پس علی‌رغم این که جنین از زمان انعقاد نطفه حیات نباتی دارد، در نتیجه علی‌الظاهر از شخصیت حقوقی نباید برخوردار باشد ولی با توجه به احکامی که شارع برای آن وضع کرده می‌توان گفت، شارع جنین را انسان فرض کرده است. پس جنین به تبع دستور شارع نوعی شخصیت تبعی دارد. این شخصیت به حکم شرع ایجاد شده است و در شرایطی همچون تهدید حیات جان مادر یا عسر و حرج این شخصیت می‌تواند باز هم به حکم شرع منتفی شود. در همین راستا ماده‌ی ۹۵۷ ق.م.بیان می‌کند: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر این که زنده متولد شود».

در اینجا ممکن است تعارضی به وجود آید، از طرفی بیان کردیم برخورداری نطفه از شخصیت حقوقی از زمان انعقاد نظریه‌ی صحیحی نیست، چراکه در این صورت سقط آن در هیچ شرایطی مجاز نبود، در حالی که در مواردی سقط جنین مجاز است، بنابراین نطفه از زمان انعقاد دارای شخصیت حقوقی نیست. از طرف دیگر در بررسی‌های روایی به این نتیجه رسیدیم که حیات نطفه در هر مرحله‌ای مورد حمایت شارع است و ماده‌ی ۹۵۷ قانون مدنی هم حمل را در هر مرحله‌ای که باشد از حقوق مدنی متمتع می‌داند و معتقد است

۱. جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۴۱۹ ه.ق)، رسائل فقهی، تهران: مؤسسه‌ی منشورات کرامت صص ۲۴۸-۲۴۷

حمل از اهلیت تمتع برخوردار است و اهلیت تمتع ملاک شخصیت حقوقی است، پس اگر قائل شدیم حمل اهلیت تمتع دارد، از شخصیت حقوقی هم برخوردار است. در حل این تعارض باید گفت، حمل تا زمانی که به یک انسان تبدیل نشده، انسانی بالقوه است و شخصیت حقوقی بالقوه‌ای نیز دارد و هنگامی که انسانیت به فعلیت رسید، شخصیت حقوقی هم بالفعل می‌شود؛ بنابراین ماده‌ی ۹۵۷ ق.م در مقام بیان همین شخصیت حقوقی بالقوه است و از حیات همین شخصیت بالقوه در روایات حمایت شده است، درحالی که منظور ما از عدم برخورداری جنین از شخصیت حقوقی از زمان انعقاد نطفه شخصیت حقوقی بالفعل است.

اگر ما این شخصیت حقوقی بالفعل را برای جنین صحیح می‌دانستیم، زمانی که حیات دو موجود زنده (مادر و جنین) که دارای شخصیت حقوقی بالفعل هستند باهم تعارض پیدا می‌کرد، نمی‌توانستیم حیات یکی را بر دیگر ترجیح داده و اجازه‌ی سقط جنین قبل ولوج روح را در صورت تهدید جان مادر بدهیم، در نتیجه بیان کردیم قائل شدن به شخصیت حقوقی برای جنین از زمان انعقاد نطفه موجب حرمت هرگونه سقط حتی به استناد تهدید حیات مادر می‌شود؛ اما اگر جنین را دارای شخصیت حقوقی بالقوه بدانیم ضمن حرمت این شخصیت و حیات آن، در تعارض حیات یک شخصیت حقوقی بالقوه (جنین) و بالفعل (مادر) موجودی که دارای حیات و شخصیت بالفعل است اولویت داشته و حیاتش مقدم است.

بنابراین با بررسی روایات مشخص شد که نطفه نفساً دارای احترام و حرمت و شخصیت حقوقی بالقوه یا تبعی است، ولی چون هدف اصلی ما در این مقاله تبیین ماهیت جنین آزمایشگاهی است و جنین آزمایشگاهی هم تخمک بارور شده‌ای است که تنها مدت کوتاهی پس تشکیل در آزمایشگاه قرار دارد، باید مشخص گردد منظور از نطفه در اینجا چیست و نطفه دقیقاً از چه زمانی و در چه مرحله‌ای برخوردار از شخصیت بالقوه و مورد حمایت شارع است و آیا این حمایت شامل جنین موجود در خارج رحم نیز می‌شود

یا مختص جنین داخل رحمی است. در این راستا در این قسمت روایاتی که به بیان ماهیت نطفه می‌پردازند، بررسی می‌گردد.

۱-۲-۳. معنای نطفه

همان‌طور که ملاحظه شد، در روایت سوم، امام زین‌العابدین (ع) دیه‌ی جنین را در مراحل مختلف بیان می‌کنند و به علت سؤال راوی در مورد ماهیت هر مرحله، تعریف مختصری نیز ارائه می‌دهند. در این روایت هنگامی که امام حد نطفه را بیان می‌کنند، نکته قابل توجه این است که می‌فرمایند: «نطفه زمانی که در رحم واقع می‌شود پس چهل روز در آنجا مستقر می‌شود»^۱.

اما جای سؤال است که آیا شرط استقرار در رحم برای حمایت از جنین موضوعیت دارد، به گونه‌ای که جنین‌های موجود در آزمایشگاه، مشمول احکام فقهی مترتب بر جنین نمی‌شوند و یا شرط استقرار در رحم، ناظر به فرد غالب در عصر معصوم است که امکان ایجاد نطفه‌ی انسانی خارج از رحم وجود نداشته و مهم انعقاد نطفه انسانی و حمایت از آن است، پس جنین آزمایشگاهی که نطفه‌اش در محیط خارج از رحم منعقد شده، دارای حرمت است؛ بنابراین در ادامه این دو نظر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف- نطفه‌ی مستقر شده در رحم

ممکن است ادعا شود منظور از نطفه‌ای که حیات آن مورد حمایت شارع است و از بین بردن آن دیه دارد، نطفه‌ای است که در رحم مستقر شده باشد. از جمله ادله‌ای که ممکن است برای این ادعا اقامه شود، موارد زیر است:

۱- جنین ماده‌ای است که از ترکیب اسپرم و تخمک در داخل رحم به وجود آمده است؛ بنابراین آنچه معنای کلمه‌ی جنین را تأیید می‌کند مربوط به استتاری است که در نتیجه‌ی این تعریف محقق شده است (در رحم زن ترکیب اسپرم و تخمک اتفاق افتاده)، همان‌طور که مجنون کسی است که عقلش پنهان شده و جان به خاطر پنهان بودنش از انظار مردم به این نام خوانده می‌شود و جنین هم در اصل لغت موجودی

۱. هی‌الَّتِي إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

است که در رحم مادر بین ظلمات سه گانه پنهان و مستور است؛ بنابراین حرمت تخمک بارور شده به مکان وجود آن مرتبط است و قیمت و حرمت آن زمانی است که در رحم باشد^۱ و جنین خارج از رحم حرمتی ندارد.

۲- حمل، اتصال تخمک بارور شده در بافت رحم است و این مرحله بعد از قرار گرفتن تخمک بارور شده در رحم زوجه، کامل می‌شود؛ اما قبل از انتقال و اتصال به رحم، حملی وجود ندارد، در نتیجه مجالی برای صحبت از حرمت حملی که به وجود نیامده نیست. به علاوه تا قبل از اتصال احتمال دارد اولین مرتبه‌ی حیات هم محقق نشود و باید اتصال صورت گیرد تا رشد و نمو حاصل شود^۲ پس نطفه‌ای که در آزمایشگاه ایجاد شده جنین یا حمل نیست و هرگاه به رحم منتقل و در بافت آن مستقر شد، مشمول حمایت شارع می‌شود.

۳- فقها در بیان نطفه و ماهیت آن آورده‌اند: «نطفه زمانی که در رحم مستقر شود و استعداد رشد و نمو را پیدا کند، دیه‌اش بیست دینار است و مجرد القا در رحم همراه تحقق استقرار کفایت می‌کند»^۳ و یا این که تصریح کرده‌اند: «احکام نطفه مربوط به زمانی است که نطفه در رحم مستقر شود و مبدأ رشد انسانی باشد»^۴. در نتیجه فقها بیست دینار دیه را برای نطفه‌ی مستقر در رحم ثابت می‌دانند^۵ و آن را به مشهور فقها نسبت می‌دهند^۱.

۱. المرسی زهره، محمد، (۱۹۹۲-۱۹۹۳م)، الانجاب الصناعی، احکامه القانونیه و حدوده الشرعیه، کویت: انتشارات جامعه الکویت، ص ۱۰۱

۲. المرسی زهره، محمد، الانجاب الصناعی، احکامه القانونیه و حدوده الشرعیه، ص ۱۰۲

۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ ه.ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (محشی-کلانتر)، ج ۱۰، قم: کتابفروشی داوری، ص ۲۸۹؛ مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴ ه.ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ص ۱۵۵.

۴. آملی، میرزا محمد تقی، (۱۳۸۰ ه.ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ج ۵، مؤلف، تهران، ص ۲۴۰؛ مجلسی دوم، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، ص ۱۵۵

۵. عاملی، شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ج ۱۰، ص ۲۸۹؛ مجلسی دوم، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، ص ۱۵۵؛ موسوی خمینی، روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، مؤسسه ی مطبوعات دار

قطعاً آوردن این قید توسط اکثر فقها نشان از آن دارد که این قید در کلام معصوم آمده است، چنانچه در مباحث قبلی به یکی از این روایات اشاره شد. در همین راستا باید گفت عبارت «هنگامی که در رحم مستقر می‌شود»^۲ شرطی است که معصوم به آن اشاره کرده است و نمی‌توان مفهوم مخالف این شرط را نادیده گرفت.

بنابراین استقرار در رحم موضوعیت دارد و منظور از نطفه» در روایات زمانی است که نطفه‌ی منعقدشده در رحم استقرار یابد و از این زمان است که شخصیت حقوقی بالقوه آغاز می‌شود. پس جنین آزمایشگاهی مادام که در محیط آزمایشگاه است چون شرط استقرار در رحم را ندارد پس شخصیت حقوقی هم ندارد.

ب- نطفه‌ی منعقدشده

ممکن است بیان شود منظور از واژه‌ی نطفه در روایات نطفه‌ای است که منعقدشده و نطفه از زمان انعقاد، مورد حمایت قرار گرفته است و فرقی نمی‌کند این نطفه داخل یا خارج رحم باشد. مهم‌ترین دلیلی که برای دفاع از این دیدگاه وجود دارد توجه به روایات زیر است:

۱- موثقی اسحاق ابن عمار

در این روایت که متن آن در صفحات قبل ذکر شد، قول امام (ع) در مقام بیان حرمت اسقاط نطفه است و صراحت دارد در این که اسقاط مبدأ خلقت انسان حرام است، پس بر

العلم، ص ۵۹۷؛ موسوی گلپایگانی، محمد رضا، (۱۴۰۹ ه.ق.)، مجمع المسائل، ج ۳، قم، ار القرآن الکریم، ص ۲۴۶؛ القطن حلی، شمس الدین محمد بن شجاع، (۱۴۲۴ ه.ق.)، معالم الدین فی فقه آل یاسین، ج ۲، قم، مؤسسه ی امام صادق علیه السلام، ص ۶۰۰؛ عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰ ه.ق.)، اللعنة الدمشقیة فی فقه الامامیة، بیروت، دار التراث - الدار الاسلامیة، ص ۲۸۵؛ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۳ ه.ق.)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ص ۶۹۵.

۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلی أحكام الایمان، (۱۴۱۰ ه.ق.)، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ص ۲۳۴.

۲. «إذا استقرت فی الرحم».

حرمت سقط جنین در هر مرحله‌ای که باشد دلالت دارد^۱ و نمی‌توان نسبت به اطلاق حدیث بی تفاوت بود و آن را مقید کرد به نطفه‌ای که در رحم مستقر شده است.

۲- حدیث رفاعه

در این حدیث سؤال از زنی بود که عادت وی یک ماه به تأخیر افتاده بود و نمی‌دانست علت آن به خاطر بیماری است یا حمل، بنابراین در اینجا نیز احتمال بارداری وجود دارد و شک در وجود یا عدم وجود حمل است ولی امام خوردن دارویی را که موجب از بین رفتن نطفه‌ی احتمالی می‌شود منع می‌کنند. چراکه نطفه هنگامی که در رحم واقع می‌شود امکان تبدیل به مضغه و سپس به علقه و سپس به آنچه خدا بخواهد، دارد؛ ولی نطفه‌ای که در غیر رحم واقع شود چیزی از او خلق نمی‌شود.

این روایت در بردارنده‌ی نکاتی است که نشان می‌دهد نطفه از زمان انعقاد دارای حرمت است، از جمله:

الف- بر حرمت نوشیدن دارو برای دیدن خون حیض دلالت می‌کند، آن‌هم زمانی که احتمال بارداری وجود دارد^۲، پس حدیث بر وجوب احتیاط و عدم اجرای قاعده‌ی استصحاب عدم حمل دلالت می‌کند و این توجه زیاد شارع به نطفه را نشان می‌دهد^۳، به طوری که هنگام شک و احتمال در وجود نطفه، احتیاط واجب می‌گردد^۴. طبق روایت امام اسقاط نطفه‌ای را که وجودش احتمالی است منع کرده‌اند، پس چه طور ممکن است از نطفه‌ای که وجودش قطعی است ولی در رحم استقرار نیافته، حمایت نشده باشد؛ بنابراین نطفه به طور مطلق (خواه در رحم مستقر شده، خواه مستقر نشده باشد) مورد حمایت بوده و از بین بردن آن حرام است.

۱. مؤمن قمی، محمد، (۱۴۱۵ ه.ق)، کلمات سدیدة فی مسایل جدیدة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه ی قم، ص ۷۲

۲. مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسایل جدیدة، ص ۷۰

۳. آصف محسنی، محمد، (۱۴۲۴ ه.ق)، الفقه و مسایل طبیه، ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه ی قم، ص ۵۹

۴. مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسایل جدیدة، ص ۷۱

ب- نکته‌ی دیگر این است که در این روایت بین نطفه قبل از وقوع در رحم و نطفه پس از وقوع در رحم فرق قائل شده است و از نحوه‌ی پاسخ امام (ع) فهمیده می‌شود که اتلاف نطفه با عزل جایز است، چرا که نطفه پس از وقوع در رحم مبدأ انسان است، ولی قبل از آن هنوز چنین مبدئیتی نیافته است.^۱ تعلیلی که در این روایت در مورد فرق میان عزل و از بین بردن نطفه آمده، اقتضا می‌کند که حرمت اتلاف نطفه مخصوص موردی است که نطفه مرتبه‌ای از قابلیت انسان شدن را طی کرده باشد و هنگامی که اسپرم مرد در رحم با تخمک زن ترکیب و منعقد شد، آنگاه قابلیت لازم برای تبدیل شدن به انسان را پیدا می‌کند پس اتلاف آن حرام است.

ج- نقد و بررسی ادله

به نظر می‌رسد دیدگاه آغاز شخصیت بالقوه‌ی جنین از زمان استقرار در رحم ایراداتی دارد، از جمله:

یکی از ادله‌ای که طرفداران این دیدگاه برای اثبات ادعای خود به آن تمسک کرده‌اند، معنای لغوی جنین یعنی استتار در رحم است، در حالی که ممکن است انتخاب واژه‌ی «جنین» به معنای موجودی که در رحم مستتر شده، از آن جهت باشد که در آن عصر فرد دیگری برای آن قابل تصور نبوده است. به علاوه ادعای عدم رشد و نمو تخمک بارور شده قبل از نفوذ در بافت و جداری رحم، صحیح نیست، چرا که از زمان انعقاد، نطفه شروع به تقسیم و رشد سلولی کرده و هم‌زمان با تکثیر سلولی در لوله‌های رحمی و به سمت رحم حرکت می‌کند، بنابراین نطفه قبل از نفوذ در بافت رحم و استقرار رشد و نمو دارد؛ بنابراین حتی اگر قول آن‌ها را بپذیریم که حمل، اتصال تخمک بارور شده در بافت رحم است، در نتیجه نتوان در این زمان از حرمت و شأن حمل صحبت کرد، ولی می‌توان به حرمت نطفه‌ی منعقد شده قائل شد.

۱. شبیری زنجانی، موسی، (۱۴۱۹ ه.ق)، کتاب نکاح، ج ۴، قم: مؤسسه‌ی پژوهشی رأی‌پرداز، ص ۱۳۶۱

۲. قاننی، محمد، (۱۳۸۸)، «سقط جنین از منظر فقه»، مجموعه مقالات بررسی سقط جنین از منظر پزشکی، حقوقی،

فقهی، اخلاقی. صص ۳۹۴-۳۹۵

به علاوه، اگرچه در فقه عبارت نطفه‌ی مستقر شده^۱ مشاهده می‌شود، اما همان‌طور که قبلاً اشاره شد فقها در کنار استقرار در رحم، از استعداد رشد و نمو و مبدأ و آغاز انسان شدن نام برده‌اند. پس ملاک این است که موجود زنده‌ای در گذرگاه حیات انسانی در حال حرکت باشد و استعداد رشد و نمو را داشته باشد، این از با اهمیت‌ترین دلایل احترام و حیثیت جان آدمی است؛ بنابراین در این روایت به‌طور کلی نطفه پس از انعقاد دارای حرمت و احترام است، به طوری که به استناد شک در بارداری نمی‌توان شرایطی را فراهم کرد که اگر نطفه‌ای منعقد شده، از بین برود. پس با توجه به این ادله و احترام نطفه از زمان انعقاد، جنین آزمایشگاهی نیز از زمان انعقاد نطفه از این احترام و حرمت برخوردار است.

البته بعضی از فقها هم به صراحت دیه‌ی نطفه را بیست دینار می‌دانند و به شرط استقرار در رحم هم اشاره‌ای نکرده‌اند.^۲

با توجه به این نکات ناقص بودن ادله‌ی قائلین به آغاز شخصیت بالقوه‌ی جنین از زمان استقرار در رحم، مشخص می‌شود. در حالی که آغاز شخصیت بالقوه‌ی جنین از زمان انعقاد نطفه، ملاک را توجه به اطلاق روایات و مفاهیم برداشته شده از آن قرار داده و برای نطفه از زمان انعقاد احترام قائل شده‌اند و ایرادی از این جهت به ادله‌ی آنها وارد نیست؛ بنابراین می‌توان گفت نطفه از زمان انعقاد دارای حرمت و احترام و برخوردار از شخصیت حقوقی بالقوه است.

بر اساس این نتیجه، می‌توان این حکم را در مورد تخمک بارور شده در محیط آزمایشگاه نیز تسری داد، زیرا:

۱- اسپرم بعد از تلقیح با تخمک در لوله‌ی آزمایشگاه دارای همان قابلیت است که نطفه بعد از انعقاد در رحم دارد؛

۱. بهجت گیلانی، محمد تقی، (۱۴۲۸ ه.ق)، استفتانات، ج ۴، قم، دفتر حضرت آیه الله بهجت، ص ۵۰۴؛ تبریزی، جواد بن علی، (۱۳۸۵)، استفتانات جدید، ج ۲، قم: انتشارات سرور، ص ۴۱۹؛ موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۳، ص ۲۴۴.

۲- با توجه به روایات، تخمک بارور شده در بدن زن، از زمان ترکیب اسپرم و تخمک ذاتاً دارای حرمت است و زمانی که حرمت از زمان تلقیح باشد، فرقی ندارد این تلقیح داخل رحم یا خارج آن اتفاق افتاده باشد و مکان نطفه‌ی بارور شده در احکام مربوط به حرمت و عدم حرمت اثری ندارد، بنابراین جنین و بالتبع جنین آزمایشگاهی از زمان انعقاد تا ولوج روح (چراکه بررسی‌های ما در این قسمت تا قبل از ولوج روح بود) دارای شخصیت حقوقی بالقوه است.

۲-۲-۱. شخصیت بالفعل جنین بعد از ولوج روح

مبنای ما در بررسی شخصیت جنین بعد از ولوج روح آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی مؤمنون است که در آن ضمن بیان مراحل قبل از ولوج روح به خلقت و آفرینشی خاص اشاره شده است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «آنگاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم (و پیکری کامل کردیم) پس از آن خلقتی دیگرش انشا نمودیم. آفرین بر (قدرت کامل) خدا که بهترین آفرینندگان است».

در آیه‌ی فوق برای بیان آفرینش جنین قبل از ولوج روح، همه‌جا تعبیر به «خلق» شده، اما هنگامی که به آخرین مرحله می‌رسد از تعبیر انشاء استفاده شده است. این تغییر سیاق از خلقت، به انشا به خاطر آن است که دلالت کند بر این که آنچه در این مرحله به وجود آمده چیز دیگری و حقیقت دیگری است غیر از آنچه در مراحل قبلی بود. خداوند در انشاء اخیر، جنین را صاحب حیات و قدرت و علم کرد و به او جوهره‌ی ذاتی داد که نسخه‌ی آن در مراحل قبلی یعنی در نطفه و علقه و مضغه و عظام پوشیده به لحم نبود، پس در مرحله‌ی اخیر چیزی به وجود آمده که کاملاً مسبوق به عدم بود یعنی هیچ سابقه‌ای نداشت^۱ پس این همان مرحله‌ای است که جنین وارد مرحله‌ی حیات انسانی می‌شود، حس

۱. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۵، قم: دفتر انتشارات

اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، صص ۲۵-۲۶

و حرکت پیدا می‌کند و به جنبش درمی‌آید که در روایات اسلامی از آن تعبیر به مرحله‌ی نفخ روح (دمیدن روح در کالبد) شده است.^۱

از این مرحله در روایات نیز با الفاظ خاصی یاد شده است که به یک نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

در روایتی امام صادق (ع) دیه‌ی مراحل مختلف جنین را از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل می‌کنند^۲ تا این که این عبارت را می‌فرمایند: «چون آفرینش جدیدی در آن (جنین) ایجاد شد که همان روح است، پس او در این هنگام یک انسان است که دیه‌ی آن هزار دینار کامل است اگر پسر باشد و اگر دختر باشد، پس دیه‌اش پانصد دینار است».

در این روایت امام پس از بیان دیه‌ی جنین قبل از ولوج روح در مراحل نطفه، علقه، مضغه، عظام و پوشش گوشت، از آفرینشی جدید در یکی از مراحل رشد جنین نام برده‌اند و آن را همان روح می‌دانند. مشابه این عبارت در آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی مؤمنون هم وجود داشت (... ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ...) که در اینجا معصوم به صراحت آن را به روح تفسیر کرده‌اند و فرموده‌اند که پس از این آفرینش جدید که برخوردار از جنین از روح است، او یک انسان محسوب می‌شود و به همین علت سقط آن موجب دیه‌ی کامل است.

بنابراین در صورتی که پیشرفت علم و دانش به حدی رسد که بتوان جنین را تا مرحله‌ی ولوج روح در آزمایشگاه پرورش داد، با توجه به روایات باید دانست بعد از ولوج روح قطعاً جنین دارای شخصیت حقوقی است و دیگر مجال تردید نخواهد بود که جنین داخل رحم است یا خارج آن، چرا که آیات و روایات صادره در این باب اطلاق دارد.

در نتیجه شخصیت و حقوق بالقوه‌ی جنین از زمان انعقاد نطفه با ولوج روح بالفعل می‌شود، لیکن همان‌طور که گفته شده شخصیت جنین متزلزل است و هنگامی مستقر و پایدار می‌شود که زنده به دنیا آید اگرچه بعد از تولد بمیرد^۳. منتها این شرط (زنده متولد شدن) به

۱. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۱۲

۲. کلینی، الکافی، ج ۷، صص ۳۴۳-۳۴۲؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۸۵

۳. صفایی و قاسم زاده، اشخاص و محجورین، ص ۴۰

گذشته نیز اثر دارد و به جنین از تاریخ انعقاد نطفه اهلیت اعطا می‌کند و حقوق جنین از آن زمان بالفعل می‌شود. این نکته از لحن ماده‌ی ۹۵۷ قانون مدنی که تمتع حمل^۱ از حقوق مدنی را مشروط به زنده متولد شدن او می‌داند، قابل فهم است و نشان می‌دهد زنده متولد شدن به گذشته (دوران حمل) سرایت کرده است.

۲. مال نبودن جنین آزمایشگاهی

اگرچه مال بودن جنین آزمایشگاهی دیدگاهی است که توسط عده‌ای در مورد ماهیت این جنین مطرح شده است لیکن در این مبحث ابتدا با شناخت معنای مال و با استفاده از عناصر آن، این نظریه رد خواهد شد.

۱-۲. معنای مال

مال کلمه‌ای است عربی که امروزه در معنای چیزی که تملک پذیرد به کار می‌رود^۱. در زبان فارسی هم این واژه رایج است و در تعریف آن آمده: «مال چیزی است که در ملک کسی بوده و ارزش مبادله داشته باشد»^۲.

در قانون مدنی علی‌رغم استفاده از واژه‌ی مال، تعریفی از آن ارائه نشده و قانون مدنی بدون ارائه‌ی تعریفی در این زمینه، مال را به منقول و غیرمنقول تقسیم کرده است.

در زبان شارع هم معنای عرفی مال به کار گرفته شده است و هیچ اصطلاح خاصی در این باره وجود ندارد. به طوری که بسیاری از فقها مال را تعریف نکرده و آن را بی‌نیاز از تعریف دانسته‌اند و شناخت آن را به عرف واگذار نموده‌اند. یکی از فقها در مورد معنای مال آورده است: «معنای ملکیت و مالیت و ملک و مال، عرفی است که به توضیح شرع و نیز به دلیل شرعی نیاز ندارد، بلکه برای تعریف آن‌ها، عرف و لغت را باید دید»^۳. به همین

۱. واسطی، زبیدی و دیگران، (۱۴۱۴ ه.ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۵، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع. ص ۷۰۳

۲. معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، ج ۳، تهران: موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر. ص ۳۷۰۸

۳. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷ ه.ق)، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات

دلیل در متون اسلامی، مال و مالیت تعریف نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد بهترین راه برای شناخت مال، شناسایی عناصر اصلی یا شروط اساسی مال است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم:

۲-۲. عناصر اساسی مال

برای تحقق مال وجود چند شرط ضروری است، به طوری که به چیزی می‌توان مال گفت که دارای دو شرط اساسی زیر باشد:

۲-۲-۱. قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین

اشیائی مانند دریاها، هوا و خورشید، از ضروری‌ترین وسایل زندگی هستند؛ ولی چون هیچ کس نمی‌تواند نسبت به آن‌ها ادعای مالکیت انحصاری کند، مال محسوب نمی‌شوند. احتمال دارد اشخاص بخشی ناچیز از هوا یا انرژی خورشیدی را به خود اختصاص دهند و تملک کنند، ولی این تملک که چهره‌ای از انتفاع از این نعمت‌های خداداد و همگانی است، باید به گونه‌ای باشد که مزاحم بهره‌برداری عموم از آن‌ها نباشد.^۱ البته برخلاف آنچه در بدو امر به ذهن متبادر می‌شود تعلق فعلی مال به مالک، عنصر مالیت چیزی نیست، یعنی لزومی ندارد مال دارای مالک خاص و بالفعل باشد بلکه امکان اختصاص یافتن نیز کفایت می‌کند.^۲

۲-۲-۲. مفید بودن و نیازی را برطرف کردن

داشتن نفع، شرط حتمی تحقق مال است.^۳ به عبارتی برای این که شیء مال محسوب شود باید مفید بوده و مورد نیاز مردم باشد، به طوری که یکی از فقها مال را چیزی می‌داند که نیازی از نیازهای زندگی بشر را برآورده سازد و از این طریق دارای مطلوبیت و مورد

اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ص ۱۱۳

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی - اموال و مالکیت، تهران: میزان، ص ۹

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۰)، حقوق اموال، تهران: گنج دانش، ص ۳۷

۳. جعفری لنگرودی، حقوق اموال، ص ۴۰

رغبت مردم باشد.^۱ با توجه به این که همین منافع کالا، توجه و رغبت مردم و روی آوردن آن‌ها به سوی کالا را در پی دارد، از این منظر عده‌ای مالیت را تابع رغبت و توجه مردم می‌دانند^۲، به گونه‌ای که یکی از فقها در وصف مالیت آورده است: «مالیت اعتبار عقلایی ناشی از رغبت مردم به چیزی است، به طوری که برای به دست آوردنش بر یکدیگر پیشی گیرند، کشمکش کنند، خواه مانند غذا از نیازهای اولیه باشد یا همچون ادویه که به آن نیاز عارضی دارند و یا برای رفاه و لذت باشد»^۳.

البته باید به این نکته نیز توجه نمود، در جهان حقوق، منفعتی اعتبار دارد که، نه تنها در دید عرف و نزد خردمندان فایده به شمار رود، قانون و اخلاق نیز آن را مباح بدانند. پس می‌توان شرط منفعت عقلایی و مشروع داشتن را در مالیت داشتن خلاصه کرد^۴. قانون مدنی در ماده‌ی ۲۱۵ قانون مدنی مالیت داشتن و به طور مطلق متضمن منفعت عقلایی و مشروع بودن را برای مورد معامله لازم دانسته است. ماده‌ی ۲۱۵ ق.م.مقرر می‌دارد: «مورد معامله باشد مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی و مشروع باشد».

۳-۲. ادله عدم مالیت جنین آزمایشگاهی

۲-۳-۱. مغایرت با شخصیت بالقوه‌ی جنین

به این نتیجه رسیدیم که جنین از زمان انعقاد نطفه دارای شخصیت حقوقی بالقوه است و به همین جهت از این زمان مطابق فقه و قانون از حقوقی برخوردار است. به طوری که در

۱. طباطبایی، محسن، (بی تا)، نهج الفقاهه، قم: انتشارات ۲۲ بهمن. ص ۳۲۵

۲. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۱ ه.ق)، کتاب البیع، ج ۱، تهران: مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی. صص ۴۹۱؛ موسوی خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۸ ه.ق)، موسوعه الامام الخوئی، ج ۳۰، چ اول، قم: مؤسسه ی احیاء آثار الامام الخوئی. ص ۳۹۵

۳. طباطبایی، نهج الفقاهه، ص ۳۲۵

۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱)، حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.

ماده‌ی ۹۵۷ قانون مدنی آمده است: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر این که زنده متولد شود».

یکی از حقوق مدنی حق استقلال در شخصیت حقوقی یعنی حق آزادی در برابر بردگی است. هر انسانی اصالتاً آزاد است و هیچ کس حق ندارد دیگری را به بردگی بگیرد^۱. با توجه به ماده‌ی مذکور حمل از حقوق مدنی برخوردار است، بنابراین از حق استقلال در شخصیت حقوقی هم برخوردار می‌گردد و هیچ کس حق ندارد آن را به بردگی بگیرد، در حالی که قائل شدن به مالیت جنین آزمایشگاهی بدین معناست که جنینی که دارای شخصیت حقوقی بالقوه است، قابلیت تملک توسط دیگران را دارد و چون مال است چه بسا دیگران ممکن است آن را تملک کنند. تملک کردن جنین هم مساوی است با بردگی، که خلاف حقوق اساسی هر انسان است.

۲-۳-۲. مخالفت با بعد جمعی کرامت انسانی

مطابق این دلیل مال دانستن جنین آزمایشگاهی مخالف بعد جمعی کرامت انسانی است که در این قسمت ابتدا توضیحاتی مختصر در مورد کرامت و ابعاد آن بیان می‌شود تا مغایرت مال بودن جنین آزمایشگاهی با کرامت انسانی مشخص گردد.

کرامت و شأن انسان یکی از مهم‌ترین اصول مذهب اسلام است که مهم‌ترین و مشهورترین دلیل برای اثبات آن آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی اسراء است^۲. خداوند در این آیه انسان را به‌عنوان نوع کریم معرفی می‌کند و می‌فرماید: «به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم». از این آیه استفاده می‌شود که افراد انسان دارای حق کرامت ذاتی هستند و به همین دلیل، همه‌ی افراد انسانی باید کرامت و حیثیت را برای هم به‌عنوان یک حق بشناسند و خود را در برابر آن حق مکلف ببینند. منشأ این کرامت ذاتی عبارت است از رابطه‌ی

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۸)، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی

پژوهشی امام خمینی، ص ۱۴۴

۲. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا».

بسیار مهم و با ارزش خداوند با انسان که از روح خود در انسان دمید^۱ و با این تکریم با عظمت، او را شایسته‌ی سجده‌ی فرشتگان فرمود. پس مادامی که خود انسان کرامت و حیثیت را به جهت جنایت و خیانت بر خویشتن یا دیگران از خود سلب نکند دیگران مکلف به مراعات این حق هستند، همان‌گونه که مکلف به رعایت حق حیات یکدیگر هستند^۲ به همین دلیل در نظام اسلامی هرگونه عملی از جمله غیبت، تجسس، تهمت و... به جنبه‌هایی از کرامت و شخصیت دیگران آسیب وارد می‌کند ممنوع شده است.

ابعاد کرامت:

مفهوم کرامت دارای دو بعد اصلی است. این مفهوم اگرچه در بعد فردی از حقوق و کرامت انسان‌هایی سخن می‌گوید که شخصیت دارند و در میان ما حاضرند. اما در بعد جمعی کرامت، سخن از انسانیت در میان است و در این بعد است که موجوداتی مانند سلول تخم، رویان چند روزه، یا جسد انسان که غالباً شخص انسانی تلقی نمی‌شوند، تحت پوشش مفهوم کرامت انسانی قرار می‌گیرند و هر رفتاری با آن‌ها جایز نیست. زیرا این موجودات به مجموعه‌ی انسانیت تعلق قوی دارند، و همین تعلق ویژه، الزامات کرامت انسانی را به ایشان تسری می‌دهد و در نتیجه در جاتی از احترام را پیدا می‌کنند^۳.

بنابراین اگرچه بیان کردیم جنین پس از ولوج روح دارای شخصیت حقوقی بالفعل است و برخوردار از کرامت انسانی، اما «از بدو تشکیل سلول تخم تا زمان کسب شخصیت رویان یا جنین انسانی تحت پوشش بعد جمعی کرامت انسانی قرار می‌گیرد. در این مراحل رویان یا جنین هنوز انسان کامل و برخوردار از کرامت به معنای فردی نیست اما تعلق و

۱. «فَإِذَا سُوِّتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» سوره ی حجر آیه ی ۲۹ و سوره ی ص آیه ی ۷۲.

۲. جعفری، محمد تقی، (۱۳۷۰)، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۸۰

۳. آرامش، کیارش، (۱۳۹۰)، «کرامت انسانی در بعد زیست، پزشکی»، مجله‌ی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ی ۴،

ش ۳. ص ۵۵

الحاق آن به انسانیت، به ویژه آن که بالقوه انسانی کامل است آن را واجد درجاتی از کرامت و حرمت می‌کند^۱.

با توجه به نکاتی که پیرامون کرامت و ابعاد آن بیان شد، مشخص می‌شود که جنین آزمایشگاهی اگرچه تحت بعد فردی کرامت انسانی قرار ندارد، چراکه شخص انسانی بالفعل تلقی نمی‌شود، اما تحت پوشش بعد جمعی کرامت انسانی قرار می‌گیرد و هرگونه رفتاری با آن جایز نیست. در نتیجه طبق اصول استنتاج شده از بعد جمعی کرامت، مالیت داشتن جنین آزمایشگاهی که جنین را در حد یک کالا تنزل می‌دهد خلاف بعد جمعی کرامت انسانی است.

۲-۳-۳. عدم قابلیت ذاتی مالیت داشتن

در تمام مواردی که از مالیت جنین آزمایشگاهی صحبت می‌شود، تنها به وجود یا عدم وجود عناصر مالیت در مورد این موجود انسانی توجه شده است، در حالی که پیش از پرداختن به این عناصر باید دقت شود که آیا موضوع فی نفسه چنین قابلیت را دارد که متصف به وصف مالیت شود یا نه. ما هیچ‌گاه داشتن عناصر مالیت را در مورد یک انسان بررسی نمی‌کنیم، چراکه معتقدیم یک انسان موضوعاً از بحث مالیت خارج است، و مال دانستن انسان مساوی است با بردگی، در نتیجه هیچ کس ادعا نمی‌کند چون جهت استفاده و کاربرد انسان در کار کردن برای دیگری مشروع و عقلایی است پس انسان مال است. باید گفت همان‌طور که صحبت کردن از عناصر مالیت در مورد انسان منطقی نیست، در مورد جنین هم همین مسئله وجود دارد و برخورداری از شخصیت حقوقی بالقوه مانع از این است که جنین را مال بدانیم. به علاوه اگر جنین مال است، چگونه ممکن است بعد مدتی یک مال به انسان تبدیل شود.

بنابراین حتی اگر بپذیریم اسپرم یا تخمک دارای مالیت هستند و رابطه‌ی مالکیت بین انسان با سلول جنسی‌اش وجود دارد، نمی‌توان با این مقدمه مالیت تخمک بارور شده و

۱. آرامش، کیارش، «کرامت انسانی در بعد زیست، پزشکی»، صص ۵۷-۵۸

مالکیت صاحبان نطفه و جواز خرید و فروش، واگذاری، صلح و هبه را هم به دست آورد. چرا که بعد از انعقاد نطفه، موجودی که به وجود می‌آید دارای حیات و ماهیتی کاملاً متفاوت با اسپرم و تخمک است و دیگر نه جزئی از بدن زن است و نه جزئی از بدن مرد، که بتوانیم بگوییم خداوند مستقیماً این نوع مالکیت یا سلطه نسبت به بدن و نطفه‌ی منعقد شده را به انسان داده است.

پس جنین آزمایشگاهی نمی‌تواند مال باشد و از زمان انعقاد نطفه دارای شخصیت حقوقی بالقوه است که با ولوج روح بالفعل می‌شود، البته این شخصیت جنین متزلزل است و هنگامی مستقر و پایدار می‌شود که زنده به دنیا آید اگرچه بعد از تولد بمیرد. منتها این شرط (زنده متولد شدن) به گذشته نیز اثر دارد و به جنین از تاریخ انعقاد نطفه اهلیت اعطا می‌کند.

نتیجه‌گیری

جنین آزمایشگاهی مانند جنین طبیعی از زمان انعقاد نطفه دارای شخصیت حقوقی بالقوه است. اگر پیشرفت علم و دانش به حدی رسد که جنین بتواند تا مرحله‌ی ولوج روح در محیط آزمایشگاه رشد کند هیچ تفاوتی بین او و جنین طبیعی وجود ندارد و مانند جنین طبیعی شخصیت بالفعل خود را به دست می‌آورد و می‌تواند به یک انسان کامل تبدیل شود، گرچه زنده متولد شدن همه جنین‌های استقرار یافته شرط تمتع آن‌ها از تمام حقوق مدنی محسوب می‌شود. بنابراین مالیت جنین آزمایشگاهی خلاف شخصیت بالقوه‌ی جنین است و در تمام مواردی که از مالیت جنین آزمایشگاهی صحبت می‌شود، باید به این نکته توجه کرد که جنین قابلیت اتصاف به مالیت را ندارد زیرا ماهیت مال و شخصیت انسانی باهم متفاوت است به علاوه بر فرض مال بودن جنین آزمایشگاهی مالکیت صاحبان نطفه و جواز واگذاری، صلح، هبه و خرید و فروش آن نیز اثبات نمی‌شود.

منابع

فارسی

- آرامش، کیارش، (۱۳۹۰)، «کرامت انسانی در بعد زیست، پزشکی»، مجله‌ی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره‌ی ۴، ش ۳.
- امامی، سید حسن، (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، ج ۴، تهران: انتشارات اسلامیه.
- بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۸ ه.ق)، استفتائات، ج ۴، قم: دفتر حضرت آیه الله بهجت.
- تبریزی، جواد بن علی، (۱۳۸۵)، استفتائات جدید، ج ۱-۲، قم: انتشارات سرور.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۰)، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۰)، حقوق اموال، تهران: گنج دانش.
- شبیری زنجانی، موسی، (۱۴۱۹ ه.ق)، کتاب نکاح، ج ۴، قم: مؤسسه‌ی پژوهشی رأی پرداز.
- صفایی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی، (۱۳۹۵)، اشخاص و محجورین، تهران: سمت.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- قائمی، محمد، (۱۳۸۸)، «سقط جنین از منظر فقه»، مجموعه مقالات بررسی سقط جنین از منظر پزشکی، حقوقی، فقهی، اخلاقی و فلسفی، ترجمه‌ی احمدعلی رخی و محمد مهدی کریمی نیا، تهران: سمت و پژوهشکده‌ی ابن‌سینا.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی - اموال و مالکیت، تهران: میزان.
- _____، (۱۳۷۱)، حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.

- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۸)، *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- معین، محمد، (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی*، ج ۳، تهران: موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، ج ۱۷-۱۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عربی:

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق)، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- انصاری شیرازی، قدرت الله و دیگران، (۱۴۲۹ ه.ق)، *موسوعه‌ی أحكام الأطفال و أدلتها*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- آصف محسنی، محمد، (۱۴۲۴ ه.ق)، *الفقه و مسایل طبیه*، ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- آملی، میرزا محمد تقی، (۱۳۸۰ ه.ق)، *مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی*، ج ۵، تهران: مؤلف.
- جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۴۱۹ ه.ق)، *رسائل فقهی*، تهران: مؤسسه‌ی منشورات کرامت.
- جمعی از پژوهشگران، (۱۴۲۳ ه.ق)، *موسوعه‌ی الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام*، ج ۵، قم: مؤسسه‌ی دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ه.ق)، *وسائل الشیعه*، ج ۲۹، قم: مؤسسه‌ی آل البيت علیهم السلام.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۰ ه.ق)، *إرشاد الأذهان إلی أحكام الایمان*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.

- _____، (۱۴۱۳ ه.ق)، قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهی مدرسین حوزهی علمیهی قم.
- واسطی، زبیدی و دیگران، (۱۴۱۴ ه.ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۵، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰ ه.ق)، اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، بیروت: دار التراثالدار الاسلامیه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ ه.ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه (محصی - کلاتر)، ج ۱۰، قم: کتاب فروشی داوری.
- _____، (۱۴۱۳ ه.ق)، مسالك الأفهام إلی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۵، قم: مؤسسهی المعارف الاسلامیه.
- طباطبایی، محسن، (بی تا)، نهج الفقاهه، قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ه.ق)، تهذیب الأحكام، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- القطان حلّی، شمس الدین محمد بن شجاع، (۱۴۲۴ ه.ق)، معالم الدین فی فقه آل یاسین، ج ۲، قم: مؤسسهی امام صادق علیه السلام.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی، ج ۳-۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۴ ه.ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- المرسی زهره، محمد، (۱۹۹۲-۱۹۹۳ م)، الانجاب الصناعی، احکامه القانونیه و حدوده الشرعیة، کویت: انتشارات جامعه الکویت..
- موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۲، قم: مؤسسهی مطبوعات دار العلم.

- _____، (۱۴۲۱ ه.ق)، کتاب البیع، ج ۱، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۸ ه.ق)، موسوعه الامام الخوئی، ج ۳۰، چ اول، قم: مؤسسه‌ی احیاء آثار الامام الخوئی.
- موسوی گلپایگانی، محمدرضا، (۱۴۰۹ ه.ق)، مجمع المسائل، ج ۳، قم: دارالقرآن الکریم.
- مؤمن قمی، محمد، (۱۴۱۵ ه.ق)، کلمات سلیده فی مسایل جدیدة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه ی قم.
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ ه.ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷ ه.ق)، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه ی قم.

Archive of SID